



جرائم مأموران سیاسی و کنسولی ایران در خارج از کشور و صلاحیت محاکم داخلی در رسیدگی به جرایم آنان

مهدی یوسفی مراغه‌ا

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۰

امیر زرودی ۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: همه افراد ملت با استناد به اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعم از زن و مرد به طور یکسان، در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. بر این اساس در تعقیب کیفری افراد و یا احضار آنها به دادگاه، هیچ کس بر دیگری برتری ندارد. اما بر خلاف این اصل و برای رعایت اصول مهم‌تر و حفظ منافع ملی، گروهی از صاحب‌منصبان، از مصونیت‌هایی بهره‌مند می‌باشند که مأموران سیاسی یا کنسولی از آن دسته‌اند.

روش تحقیق: شیوه پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

یافته‌ها: عدالت و اصل برابری و تساوی همه آحاد جامعه در برابر قانون اقتضاء می‌کند که هیچ مجرمی بدون کیفر نماند. از طرف دیگر برخی از صاحب‌منصبان و مأمورین سیاسی و کنسولی به سبب برخورداری از یک جایگاه و موقعیت اجتماعی و سیاسی، در کانون توجه رسانه‌ها قرار دارند و از آنجایی که نماینده دولت متبوع خود محسوب می‌شوند هرگونه نقض مقررات و قوانین کشور محل مأموریت، باعث خدشه‌دار شدن وجهه سیاسی کشور متبوع مأمور سیاسی و کنسولی می‌گردد.

نتیجه‌گیری: به دلیل برخورداری مأمورین سیاسی و کنسولی از مصونیت و مزایای آن در کشور محل مأموریت، هرگونه تحت تعقیب قرار دادن آنان به سبب ارتکاب جرم در قلمرو سرزمینی کشور محل مأموریت، مخالف کنوانسیون‌ها و اصول و عرف دیپلماتیک است. مع‌الوصف امکان دارد که مأمور سیاسی یا کنسولی به‌عنوان «عنصر نامطلوب» از قلمرو کشور محل مأموریت اخراج شوند. این امر مانع از تعقیب و محاکمه مأمورین سیاسی و کنسولی در قلمرو کشور متبوع خود نخواهد بود. این امر در قوانین داخلی کشورها و از جمله قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است.

واژگان کلیدی: مأمورین سیاسی، مصونیت، کنوانسیون وین، عنصر نامطلوب.

۱. مقدمه

مأموران سیاسی و کنسولی هر کشور به عنوان کسانی که نمایندگی کشورشان را در انجام بخشی از امور خارجی بر عهده دارند، آینه تمام‌نمای کشور و دولت متبوع خود می‌باشند. وظیفه مأموران سیاسی که در ماده ۱۳ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین به آن اشاره شده است، بیشتر ناظر به روابط سیاسی دولت متبوع خود با سایر دولت‌ها می‌باشد، ولی وظیفه مأموران کنسولی که در ماده ۲۵ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین به آن اشاره شده، جنبه اداری دارد و هدف آن‌ها، حفظ

- ۱- ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین: ۱- وظایف یک مأموریت سیاسی بالاخص عبارت است از:
 - الف - نمایندگی کشور فرستنده نزد کشور پذیرنده.
 - ب - حفظ منافع کشور فرستنده و اتباع آن در کشور پذیرنده تا حدودی که در حقوق بین‌الملل مورد قبول است.
 - ج - مذاکره با حکومت کشور پذیرنده.
 - د - استحضار از اوضاع و سیر وقایع در کشور پذیرنده با استفاده از تمام وسائل مشروع و گزارش آن به حکومت کشور فرستنده.
 - ه - بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین کشور فرستنده و کشور پذیرنده.
- ۲- هیچیک از مقررات این قرارداد نباید طوری تفسیر شود که مانع از انجام وظایف کنونی به وسیله یک مأموریت سیاسی گردد.
- ۲- ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین: وظایف کنسولی عبارت است از:
 - (الف) - حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن - اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی در قلمرو دولت پذیرنده - تا حد مجاز در حقوق بین‌المللی.
 - (ب) - کمک به توسعه مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده و بسط روابط دوستانه بین دو دولت به هر طریق دیگر در حدود مقررات این کنوانسیون.
 - (ج) - استحضار از اوضاع و تحولات بازرگانی و اقتصادی و فرهنگی و علمی دولت پذیرنده با استفاده از کلیه وسایل مشروع و گزارش آن به حکومت دولت فرستنده و همچنین دادن اطلاعات به اشخاص ذینفع.
 - (د) - صدور گذرنامه و اسناد مسافرت جهت اتباع دولت فرستنده و صدور روادید یا اسناد مربوط برای اشخاصی که می‌خواهند به قلمرو دولت فرستنده مسافرت کنند.
 - (ه) - کمک و مساعدت به اتباع دولت فرستنده اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی.
 - (و) - اقدام به عنوان سردفتر رسمی و مأمور ثبت احوال و سمتهای مشابه و همچنین اجرای بعضی از اعمال اداری - تا حدی که قوانین و مقررات دولت پذیرنده با آن تناقض نداشته باشد.
 - (ز) - حفظ منافع اتباع دولت فرستنده - اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی در مورد ارث در سرزمین دولت پذیرنده - طبق قوانین و مقررات دولت پذیرنده.
 - (ح) - حفظ منافع صغار و محجورینی که تبعه دولت فرستنده - می‌باشند - در حدود قوانین و مقررات دولت پذیرنده - به خصوص در مواردی که قیمومیت و یا سرپرستی در خصوص این قبیل اشخاص لازم باشد.
 - (ط) - با رعایت رویه و عرف جاری دولت پذیرنده - نمایندگی از طرف اتباع دولت فرستنده یا اتخاذ ترتیبات به منظور تامین نمایندگی لازم برای آنها نزد محاکم و یا نزد سایر مقامات دولت پذیرنده - به منظور درخواست اتخاذ تدابیر موقتی بر طبق قوانین و مقررات دولت پذیرنده برای حفظ حقوق و منابع اتباع مزبور - هنگامی



منافع اتباع دولت خود در خارج از کشور متبوعشان است. پس در این خصوص، بحث "حقوق دیپلماتیک" و "حقوق کنسولی" مطرح می‌گردد.

"حقوق دیپلماتیک" را می‌توان مجموع قواعدی دانست که نظام روابط سیاسی خارجی بین دولت‌ها بر اساس آن استوار است. چون بعضی از مسائل مربوط به حقوق دیپلماتیک در حیطه حاکمیت، منحصر به دولت‌هاست و از طرفی هم حقوق بین‌الملل نمی‌تواند در آن دخالت کند، به ناچار باید به وسیله قوانین داخلی دولت‌ها به نحوی مشخص گردد تا سایر دولت‌ها خود را ملزم به رعایت این حقوق بدانند. این حقوق ناشی از رعایت اصل نزاکت بین‌المللی بوده و به همین جهت همیشه رویه کشورها در برخورد با این موضوعات، یکسان نبوده است. "حقوق کنسولی" همانند حقوق دیپلماتیک، مجموع قواعدی است که ناظر به قسمتی از روابط خارجی دولت‌ها می‌باشد، اما از حیث طبیعت، با آن تفاوت دارد. به علت همین تفاوت در طبیعت است که "مأموران سیاسی"، مأمور یک دولت در نزد دولت دیگر می‌باشد اما "مأمور کنسولی"، مأمور حکومت یک کشور، در نزد حکومت کشور دیگر می‌باشد (صدر، ۱۳۹۲: ۱۳۱). "منتسکیو" فیلسوف بزرگ فرانسوی معتقد بود که نمایندگان سیاسی یک کشور در کشور خارجی، در حکم زبان رئیس یا پادشاه آن مملکت هستند و بر اساس مقررات و عرف بین‌المللی، زبان سلطان باید آزاد باشد (آقایی، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

که به علت غیبت یا علل دیگر قادر نباشند در موقع مقتضی از منافع و حقوق خود دفاع نمایند. (ی) - ارسال اسناد قضایی و غیر قضایی یا اجرای نیابت قضایی بر طبق موافقتنامه‌های بین‌المللی معتبر یا در صورتی که چنین موافقتنامه‌هایی موجود نباشد به هر نحو دیگری که بر قوانین و مقررات دولت پذیرنده منطبق باشد.

(ک) - اعمال حقوق کنترل و بازرسی مقرر در قوانین و مقررات دولت فرستنده نسبت به ناوهای دریایی و کشتیهای رودخانه‌ای که تابعیت دولت فرستنده را دارند و هواپیماهایی که نزد آن دولت به ثبت رسیده است و همچنین نسبت به کارکنان ناوها و کشتیها و هواپیماهای مزبور.

(ل) - رسانیدن کمک به ناوها و کشتیها و هواپیماهای مذکور در بند تک ت این ماده و به کارکنان آنها و همچنین اخذ اظهارنامه‌های مربوط به مسافرت ناوها و کشتیهای مزبور و بررسی و مهر کردن اسناد مسافرتی آنها بدون لطمه به اختیارات مقامات دولت پذیرنده و انجام تحقیقات درباره وقایعی که طی مسافرت دریایی رخ داده و حل هر نوع اختلاف بین ناخدا و افسران و ملوانان تا آنجا که قوانین و مقررات دولت فرستنده اجازه دهد.

(م) - انجام هر وظیفه دیگری که دولت فرستنده به عهده یک پست کنسولی محول نموده باشد و قوانین و مقررات دولت پذیرنده آنها را منع نکرده و یا مورد ایراد دولت پذیرنده نباشد و یا وظایفی که در موافقتنامه‌های بین‌المللی معتبر موجود بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده ذکر شده است.

با ذکر مقدمه فوق در این مقاله برآنیم تا ضمن بررسی مفهوم مصونیت، مزایای آن، انواع مصونیت‌ها و استثنائات و اصول حاکم بر آن‌ها، به تبیین جرایم ارتكابی مأموران سیاسی و کنسولی بر اساس اصول حاکم بر حقوق کیفری و بین‌المللی و صلاحیت محاکم رسیدگی‌کننده به جرایم ارتكابی توسط آن‌ها پردازیم.

۲. مصونیت‌ها

۲-۱. مفهوم مصونیت

مصونیت^۱ در لغت عبارت است از در امان بودن، محفوظ بودن (دهخدا، ۱۳۸۵: ۴۱۱۲) و در اصطلاح مصونیت، وضع مخصوصی است که دارنده آن از تعرض مخصوصی، معاف و محفوظ است (لنگرودی، ۱۳۹۲: ۶۵۰). به عبارت دیگر می‌توان عنوان کرد که بعضی از اشخاص و برخی اموال در سرزمین یک دولت، از حیطة قدرت اجرایی قانون‌هایی که بر آن سرزمین اعمال می‌شوند، خارج و مستثنا بوده و قانون و مأموران مجری قانون، نمی‌توانند شخص دارنده مصونیت را تعقیب، محاکمه و یا مجازات نمایند.

۲-۲. انواع مصونیت‌ها

۲-۲-۱-۱-۲-۲. مصونیت شغلی

منظور از "مصونیت شغلی در حقوق داخلی"، اصل تعرض ناپذیری بعضی از افراد و معاف بودن آنان از قواعد عامه کشور در امور قضایی، انتظامی، مالیاتی و غیره می‌باشد. این مصونیت بعضی مواقع به مفهوم عدم تغییر شکل یا عدم جابجایی اجباری محل خدمت و یا در مورد نمایندگان مجلس، آزادی در بیان و گفتار و رأی است. مصونیت در اینجا نوعی استثنا بر اصل تساوی افراد در مقابل قانون و دادگاه است.

هدف این مصونیت، حفظ استقلال شغلی فرد و عدم تعرض به وی و تأمین حسن اجرای وظایف وی می‌باشد. مبنای این مصونیت، قوانین و مقررات داخلی قانون اساسی و قانون عادی است (صدر، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

در حقوق داخلی ایران، اصل بر تساوی همه شهروندان در مقابل قانون و محکمه است و هیچ



کس از تعقیب کیفری مصون نیست. لیکن در حقوق داخلی کشور ما همانند سایر کشورها برای بعضی مشاغل حساس عمومی، مصونیت شغلی در نظر گرفته شده است. هدف از این مصونیت، حفظ استقلال شغلی دارنده مصونیت، تأمین حسن اجرای وظایف و در روابط بین کشورها رعایت اصل تساوی حاکمیت کشورهاست.

بررسی وضعیت دارندگان مصونیت شغلی در حقوق داخلی نشان می‌دهد که به دلیل اسلامی بودن نظام حکومتی ایران، این مصونیت با محدودیت‌هایی روبرو می‌باشد. لذا با توجه به تأکید شرع مقدس اسلام و قوانین داخلی از جمله قانون اساسی بر برابری افراد در مقابل قانون، برای مقامات قوه مجریه از جمله رهبر^۱، رئیس‌جمهور^۲ و سایر مقام‌های حکومتی^۳،

۱- اصل یکصد و هفتم: پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی "قدس سره الشریف" که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری دربارہ همه فقها واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند؛ هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

۲- ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضائی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محلهای سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضائی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضائیه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.

۳- ماده ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکتها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

مصونیت اداری وجود ندارد. لیکن برای سه گروه از افراد، از جمله نمایندگان مجلس، قضات و وکلای مدافع^۱، تا حدی مصونیت شغلی پیش‌بینی شده است.^۲

۲-۲-۱-۲-۲- مصون ترهای شغلی در حقوق بین‌الملل

همان‌طور که می‌دانیم به دلیل "رفتار متقابل" در حقوق بین‌الملل، همان‌گونه که نمایندگان دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی در قلمرو ایران، از مصونیت‌های مقرر در حقوق بین‌الملل، برخوردارند؛ اتباع ایرانی نیز که نماینده دولت ایران یا سازمان‌های بین‌المللی در قلمرو کشور خارجی می‌باشند، از این مصونیت‌ها نیز برخوردار می‌باشند. بر اساس همین اصل "رفتار متقابل" است که مأموران دیپلماتیک و کنسولی ایران نیز در قلمرو کشورهای پذیرنده، در راستای انجام وظایف شغلی خودشان، از مصونیت‌هایی، برخوردار می‌باشند.

۲-۲-۲- مصونیت پارلمانی

مصونیت پارلمانی^۳، قسمی از اقسام مصونیت سیاسی است که به‌موجب آن، بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی، کسی حق تعرض به اعضای آن را ندارد و اگر احیاناً یکی از اعضا، علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب، دستگیر گردد؛ باید اجرا سیاست، درباره

۱- در قوانین قبل از انقلاب اسلامی، در ماده ۲۰ قانون استقلال کانون وکلا، پیش‌بینی شده بود "هرکس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن، توهین نماید؛ به حبس تأدیبی از پانزده روز الی سه ماه محکوم خواهد گردید". این قانون صرفاً به حمایت و کلا در حین انجام وظیفه، پرداخته بود و به مصونیت آنان، توجهی نداشت.

اما در حال حاضر با استناد به ماده واحده «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا» مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۱ که عنوان می‌دارد که: «وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین قضا برخوردار است»؛ می‌توان عنوان کرد که مصوبه فوق، مصونیتی مشابه مصونیت دادرسان، برای وکلا در مقام دفاع، در نظر گرفته است.

همچنین در مورد محرومیت از وکالت و عزل وکیل، تنها مرجع ذیصلاح، دادگاه انتظامی است. باید توجه داشت که چنانچه بیانات و نوشته‌های وکیل خارج از موضوع وکالت و موجب اهانت و افترا به دیگران باشد؛ مصونیت فوق‌الذکر، مشمول وی نمی‌شود و همچنین در صورت ارتکاب جرایم و سایر تخلفات، وکیل همانند سایر افراد عادی در محاکم عمومی قابل محاکمه خواهد بود.

۲- مصونیت‌های شغلی در حقوق ایران، دکتر منوچهر توسلی نایینی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان



او، با استحضار مجلس باشد.^۱ اساس این مصونیت این است که نماینده مجلس، آزادانه، انجام وظیفه کند و در نتیجه در دعای مطروحه علیه او، قانون تحت عنوان مصونیت پارلمانی و در حدود آن، از نماینده، حمایت می‌کند (لنگرودی، ۱۳۹۲: ۶۵۷).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مصونیت از تعقیب کیفری نمایندگان مجلس، در قانون اساسی دوران مشروطه، پذیرفته شده بود ولی در حال حاضر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تنها اصلی که بیانگر مصونیت نمایندگان مجلس می‌باشد، اصل ۸۶ قانون اساسی^۲ است و همچنین در تکمیل این اصل، می‌توان به اصل ۸۴ قانون اساسی^۳ اشاره کرد. با توجه به این دو اصل، مشخص می‌شود که مصونیت پارلمانی در ایران، محدود به مصونیت نوع اول یعنی مصونیت در بیان و گفتار یا عدم مسئولیت است که از آن به عنوان مصونیت ماهوی نیز یاد می‌شود و مصونیت از تعقیب کیفری، مورد قبول واقع نشده است. بدین علت که در قانون اساسی کشور ما، با توجه به اسلامی بودن نظام آن، چنین مصونیتی، برخلاف اصل تساوی شهروندان در مقابل قانون و مغایر با مبانی اسلامی تلقی شده است (توسلی نائینی، ۱۳۸۵: ۲۳۲).

۲-۲-۳- مصونیت قضایی

مصونیت قضایی^۴ یعنی مصونیت و معافیت پاره‌ای از اشخاص یا اموال یا حالات، از قواعد کلی و عمومی و جاری کشور در امور قضائی یا انتظامی (لنگرودی، ۱۳۹۲: ۶۵۸). پس به عبارت دیگر می‌توان این‌طور عنوان کرد که گروه دیگری از افراد، که به دلیل انجام وظایف خطیر و مسئولیت قانونی، از مصونیت خاصی برخوردارند؛ "قضات محاکم" می‌باشند. این افراد، قبل از صدور حکم تعلیق از دادگاه انتظامی قضات، قابل تعقیب کیفری نیستند و جایجایی آنان به جز در موارد استثنایی، امکان‌پذیر نیست. البته این مصونیت به مفهوم عدم مسئولیت در برابر ارتکاب جرایم نیست. بلکه رسیدگی به تخلفات و جایجایی آنان، با شرایط و تشریفات ویژه‌ای انجام‌پذیر است.

۱- اصل ۱۲ قانون اساسی مشروطه

۲- اصل ۸۶ قانون اساسی: "نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود، در اظهار نظر و رأی کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند؛ تعقیب یا توقیف کرد."

۳- اصل ۸۴ قانون اساسی: "نماینده، در برابر تمام ملت مسئول است و حق اظهار نظر در همه مسایل داخلی و خارجی کشور را دارا می‌باشد"

۲-۲-۳-۱- مصونیت شغلی قضات

در حقوق ایران، با استناد به اصل ۱۶۴ قانون اساسی^۱، مصونیت شغلی قضات، در قالب دو قاعده کلی منع عزل قضات و منع نقل و انتقال و تغییر قضات بیان شده است.

در رابطه با مصونیت عزل قضات، باید توجه داشت که هدف از این مصونیت، اجرای صحیح عدالت، توسط قضات و عدم نگرانی در انجام صحیح وظایف آنان است. قاضی، با سایر کارگزاران نظام، تفاوت دارد. او تحت امر مقام مافوق خود نیست و حتی رئیس دادگستری حوزه قضایی محل مأموریت قاضی هم، صرفاً بر او، ریاست اداری دارد و نه قضایی.

در رابطه با مصونیت منع انتقال و تغییر قضات، ذکر دو نکته لازم است. اول، مفهوم اقتضای مصلحت جامعه، بسیار وسیع است و برحسب زمان و مکان و اوضاع و احوال، قابل تفسیرهای متعدد می‌باشد. دوم، عیلم‌غم پیش‌بینی مشورتی رئیس قوه قضاییه با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، دست او برای نقل و انتقال قضات باز است که این امر تا حدی می‌توان مصونیت مزبور را تحت الشعاع قرار دهد. در خاتمه باید اشاره کنیم که نقل و انتقال دوره‌ای قضات منافاتی با مصونیت آنان ندارد. بعلاوه، بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی^۲ قاضی در صورت تقصیر یا خطای شخصی، مسئولیت مدنی دارد و موظف به جبران خسارت می‌باشد (توسلی نائینی، ۱۳۸۵: ۲۳۵).

۲-۲-۳-۲- مصونیت از تعقیب کیفری قضات

در این نوع از مصونیت با استناد به ماده ۴۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون اصلاح تشکیلات دادگستری و استخدام قضات، مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۱۴^۳ می‌توان عنوان کرد که

۱- اصل ۱۶۴ قانون اساسی: قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دائم، منفصل کرد یا بدون رضای او، محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه، با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

۲- اصل ۱۷۱ قانون اساسی: هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

۳- ماده ۴۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون اصلاح تشکیلات دادگستری و استخدام قضات، مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۱۴ چنین اظهار می‌دارد که: «هرگاه در اثناء رسیدگی کشف شود که کارمند قضایی مرتکب جنحه یا جنایتی شده و دادستان انتظامی قضات، آن نسبت را مقرون به دلایل و قرائن ببیند که تعقیب کیفری را ایجاب نماید؛ تعلیق کارمند مظنون را از شغل خود، تا صدور رأی نهایی مراجع کیفری، از دادگاه عالی انتظامی تقاضا می‌نماید...».



دارندگان پایه‌های قضایی را در صورتی که در مظان اتهام کیفری قرار گیرد تا زمان صدور قرار تعلیق از خدمت، نمی‌توان احضار، بازجویی و به طریق اولی قرار تأمینی در مورد آن‌ها صادر کرد ولی در امور مدنی، احضار آن‌ها به عنوان خوانده و شاهد، بلاشکال می‌باشد. همچنین با استناد به ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و تبصره ۱ آن^۱، به اتهامات دارندگان پایه‌های قضائی در دادگاه‌های کیفری تهران رسیدگی می‌شود.

۲-۳-۳- مصونیت سیاسی و کنسولی

مصونیت سیاسی و کنسولی، جزء اصلی‌ترین مباحث حقوق دیپلماتیک است؛ که خود، از موضوعات مورد بحث حقوق بین‌الملل عمومی است.

مصونیت سیاسی^۲ در لغت عبارت است از یک رشته معافیت‌های راجع به نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی و زن و فرزند آن‌ها و اعضای رسمی سفارت، که به موجب آن، اشخاص مزبور، تابع محاکم دولت متبوع خود، باشند و از محاکم کشوری که در آنجا انجام وظیفه می‌کنند، تبعیت نمی‌کنند و نیز از تعقیب مدنی و جزائی و اداء شهادت در محاکم و پاره‌ای از تشریفات قانونی برخی اعمال حقوقی و نیز برخی مالیات‌ها، معاف می‌باشند (لنگرودی، ۱۳۹۲: ۶۵۷). مباحث مربوط به مصونیت دیپلماتیک و کنسولی در کنوانسیون وین ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ همچنین پروتکل‌های مربوط به آن‌ها، خود دلیلی بر تحول وسیع این موضوع، در عرصه حقوق بین‌الملل عمومی می‌باشد. لذا در این خصوص موضوعاتی نظیر مصونیت از تعرض^۳ و

۱- ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خیرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضائی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محلهای سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضائی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضائیه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

2- diplomatic immunity

۳- یعنی: حرمت و حقوق یک محل یا یک شخص، غیر قابل نقض است یا عبارت دیگر وارد شدن بدون اجازه به یک محل، تعرض به مصونیت محل است و موجب نقض حقوق و آزادیهای شخصی می‌شود.

مصونیت قضایی^۱ مأموران سیاسی و کنسولی همواره مطرح می‌باشد.

در حقوق بین‌الملل عمومی، مأموران سیاسی و کنسولی هر کشور، با استناد به ماده ۲۹^۲ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین و ماده ۴۱^۳ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، شخصاً از تعقیب و تعرض مأموران دولتی کشور پذیرنده، که نزد آن‌ها مأموریت دارند، مصون می‌باشند. اما باید متذکر شد که این مصونیت‌ها به موجب عرف بین‌المللی و رسوم، برقرار شده و نه به موجب قوانین کشوری.

۲-۲-۴- مزایای مصونیت‌های سیاسی و کنسولی

مزایا، از نظر مفهوم، با مصونیت‌ها، تفاوتی ندارند و هر دو امتیازاتی هستند که به شخص معینی داده می‌شود؛ در حالی که به‌طور کلی، اشخاص دیگر، از آن، بی‌بهره‌اند و به همین جهت نیز در کلیه نوشته‌ها، مصونیت‌ها و مزایا، باهم، در یک فصل مورد بحث قرار می‌گیرند. اما از نظر فلسفه وجودی و طبیعت، می‌توان بین آن‌ها، تفاوت‌هایی را قائل شد. درباره مصونیت دیپلماتیک، عرف و سنت‌های قدیم و رسوم معمول و همچنین نزاکت بین‌المللی از ابتدا برقرار شده و تعمیم‌یافته

۱- مصونیت‌های قضایی مأموران سیاسی و کنسولی یعنی اینکه به خاطر وظایف خاص آنها در یک کشور مستقل، شرایط به نوعی ایجاد می‌کند که این افراد، در معرض تعقیب جزایی و رسیدگی‌های حقوقی قرار نگیرند و این بدین معنی است که دولت میزبان، صلاحیت قضایی یا قانونی برای رسیدگی به جرایم مدنی و کیفری آنها را نداشته؛ بلکه دولت متبوع آنها، صلاحیت خود را، در مورد مأموران سیاسی و کنسولی خود، اعمال می‌نماید.

۲- ماده ۲۹ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین: مصونیت مأمور دیپلماتیک شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ‌عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه‌ای که در شأن او است خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.

۳- ماده ۴۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین: مصونیت شخصی مأموران کنسولی از تعرض الف - مأموران کنسولی را نمی‌توان مگر در صورت ارتکاب جنایتی بزرگ (درجه یک) و متعاقب تصمیم مقام قضایی صلاحیت‌دار توقیف یا در انتظار محاکمه بازداشت نمود.

ب - به استثنای مورد مذکور در بند ۱ ماده حاضر - مأموران کنسولی نمی‌توان زندانی نمود یا آزادی شخصی آنها را به نحو دیگری محدود ساخت مگر در اجرای یک تصمیم قضایی که جنبه قطعی داشته باشد.

ج - اگر مأمور کنسولی تحت تعقیب جزایی قرار گیرد باید نزد مقامات صلاحیت‌دار حاضر شود. معذک این تعقیب باید با رعایت احترامی که در شأن مقام رسمی مأمور کنسولی است - به عمل آید و جز در مورد مذکور در بند ۱ ماده حاضر تا حد امکان کمتر مانع از انجام وظایف کنسولی او گردد. هنگامی که در شرایط مذکور در بند ۱ این ماده بازداشت مأمور کنسولی ضروری باشد رسیدگی به‌دعوی اقامه شده علیه او باید هر چه زودتر شروع گردد.



و بعدها به آن، مبنای حقوقی داده‌اند. به همین جهت عهدنامه ۱۹۶۱ وین وارد جزئیات بسیاری که رسوم مورد قبول دول است نشده. درباره کنسول‌ها، اصولاً هیچ‌گونه مصونیت و مزایا نبوده و دولت‌ها به میل خودشان بر توافقاتی که در معاهدات کنسولی میان خودشان منعقد کرده‌اند، بعضی مصونیت‌ها و مزایا را برای کنسول‌ها شناخته‌اند؛ بدون آنکه آن را یک قاعده حقوقی مسلم یا سنت لازم‌الاجرا بدانند. به همین جهت هیچ مصونیت و مزیت کنسولی نمی‌تواند مورد ادعای دولتی باشد بدون آنکه در عهدنامه‌ای، بین آن دو دولت، توافق شده باشد و یا لااقل در حدود عرف جاری، شده باشد. پس عهدنامه ۱۹۶۳ وین لازم دانسته است که جزئیات این حقوق را تصریح کند و مواردی را که به عرف مراجعه داده است بسیار کم می‌باشد (صدر، ۱۳۹۲: ۱۲۴). در نتیجه مصونیت و مزایای دیپلماتیک مأموران سیاسی و کنسولی، موارد متعددی را در برمی‌گیرد که می‌توان در این مورد به مصونیت جزایی، مدنی، و اداری اشاره کرد که در ذیل به این نوع از مصونیت‌ها و مزایا می‌پردازیم.

براساس بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده، از مصونیت تعقیب جزائی، برخوردار می‌باشد. این مصونیت مطلق و غیر قابل خدشه می‌باشد مگر در موارد خاص. اما براساس بند ۱ ماده ۴۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، مأمور کنسولی صرفاً در مورد اعمالی که در رابطه با انجام وظایف کنسولی خود، به عمل می‌آورد در برابر مقامات قضایی و اداری دولت پذیرنده، دارای مصونیت جزایی می‌باشند. پس بنابراین مصونیت مأموران کنسولی، نسبی است. مأموران دیپلماتیک، اصولاً از مصونیت در دعاوی مدنی و اداری برخوردارند؛ بر همین اساس در بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، مأمور دیپلماتیک، به جز در موارد مقرر در استثناهای مصونیت مدنی و اداری^۱، از مصونیت ناشی از اقدامات اجرایی برخوردار می‌باشد.

۱- ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین:

بند ۱ - مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره مند خواهد بود مگر در موارد زیر:

الف - دعوی راجع به مال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده مگر آنکه مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ب - دعوی راجع به ماترکی که در آن مأمور سیاسی به طور خصوصی و نه به نام کشور فرستنده وصی و امین ترکه و وارث یا موصی له واقع شده باشد.

ج - دعوی راجع به فعالیت‌های حرفه‌ای یا تجاری از هر نوع که مأمور سیاسی در خاک کشور پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.

در موارد استثنا نیز، عملیات بشرطی مجاز است که به مصونیت شخصی و یا محل اقامت مأمور، لطمه‌ای وارد نشود. در حالی که براساس ماده ۴۳ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، مصونیت از اقدامات اجرایی مأمور کنسولی، صرفاً در مورد اعمالی است که در راستای انجام وظایف کنسولی خود، به عمل می‌آورد.^۱ حال جا دارد که با استناد به کنوانسیون‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین، به معافیت از پرداخت مالیات^۲، آزادی رفت‌وآمد^۳، آزادی ارتباطات^۴ و معافیت از حقوق

۱- ماده ۴۳ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین: مصونیت قضایی

۱- مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی در مورد اعمالی که در انجام وظایف کنسولی خود به عمل می‌آورند در برابر مقامات قضایی یا اداری دولت‌پذیرنده مصونیت قضایی خواهند داشت.

۲- معذک مقررات بند ۱ ماده حاضر شامل دعاوی حقوقی زیر نمی‌شوند:

الف - دعاوی حقوقی ناشی از قراردادی که توسط یک مأمور کنسولی یا کارمند کنسولی منعقد گردیده لکن او قرارداد مزبور را تصریحاً به عنوان نماینده و کارگزار دولت فرستنده منعقد نساخته است.

ب - دعاوی حقوقی شخص ثالث در مورد خسارت ناشی از تصادف وسیله نقلیه و کشتی یا هواپیما، در قلمرو دولت پذیرنده.

۲- ماده ۳۴ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین:

ماده سی و چهارم - مأمور سیاسی از پرداخت کلیه عوارض شخصی یا مالی یا مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری جز در موارد زیر معاف است.

الف - مالیاتهای غیر مستقیم که معمولاً جزء قیمت کالا یا خدمت محسوب می‌شود.

ب - مالیاتها و عوارض اموال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده جز در مواردی که مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ج - مالیات بر ارث که از طرف کشور پذیرنده دریافت می‌گردد با رعایت مفاد بند ۴ ماده ۳۹.

د - مالیات و عوارض مأخوذه از درآمدهای شخصی حاصل در کشور پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های به کارافتاده در بنگاههای تجارتهای آن کشور.

ه - مالیات و عوارضی که در برابر انجام خدمات خاص وصول می‌شود.

و - هزینه‌های ثبت و دادرسی رهن و تمبر در مورد اموال غیر منقول با رعایت مفاد ماده ۲۳.

ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین: معافیت مالیاتی اماکن کنسولی

۱ - اماکن کنسولی و محل اقامت رییس کاربری پست کنسولی که مالک یا مستأجر آن دولت فرستنده یا نماینده آن می‌باشد از پرداخت هر نوع مالیات و عوارض مملکتی و منطقه‌ای و یا شهری معاف خواهد بود. مگر آن که دریافت این مالیاتها یا عوارض در اداء انجام خدمات خاص باشد.

۲ - در صورتی که طبق قوانین و مقررات دولت پذیرنده پرداخت این مالیاتها و عوارض به عهده شخصی باشد که با دولت فرستنده یا با نماینده آن معامله می‌کند. معافیت مالیاتی موضوع بند ۱ ماده حاضر منتفی خواهد بود.

۳- ماده ۳۴ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین: آزادی رفت و آمد

دولت پذیرنده آزادی رفت و آمد و مسافرت تمام اعضای پست کنسولی را در سرزمین خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مناطقی که ورود بدان از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده و یا تابع مقررات خاصی است تأمین می‌نماید.

۴- ماده ۳۵ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین: آزادی ارتباطات

۱ - دولت پذیرنده آزادی ارتباطات پست کنسولی را برای مقاصد رسمی اجازه داده و حمایت خواهد نمود.



گمرکی و عوارض آن^۱، به عنوان پاره‌ای از مزایا، برای مأموران سیاسی و کنسولی اشاره کرد

پست کنسولی به منظور برقراری ارتباط باحکومت و مأموریت‌های دیپلماتیک و دیگر پست‌های کنسولی دولت فرستنده در هر جا که باشد می‌تواند از تمام وسایل ارتباطی لازم منجمله از پیک‌های دیپلماتیک یا کنسولی و همچنین کیسه‌های دیپلماتیک یا کنسولی و پیام‌های "کد" یا رمز استفاده کند. لیکن پست کنسولی فقط با رضایت دولت پذیرنده می‌تواند اقدام به نصب و استفاده از دستگاه فرستنده رادیویی نماید.

۲- مکاتبات رسمی پست کنسولی مضمون از تعرض خواهد بود. مکاتبات رسمی عبارت است از کلیه مکاتباتی که مربوط به پست کنسولی و وظایف آن می‌باشد.

۳- کیسه کنسولی نباید باز یا توقیف شود. معهدا هرگاه مقامات ذیصلاحیت دولت پذیرنده دلایل کافی داشته باشند که کیسه کنسولی حاوی چیزی غیر از مکاتبات و اسناد یا اقلام مذکور در بند ۴ ماده حاضر است - می‌توانند تقاضا کنند که کیسه مزبور توسط نماینده مجاز دولت فرستنده در حضور آنها باز شود اگر این تقاضا از طرف مقامات دولت فرستنده رد شود کیسه مزبور به مبدأ آن عودت داده خواهد شد.

۴- بسته‌های جزء کیسه کنسولی باید دارای علامات خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن بوده، فقط حاوی مکاتبات رسمی و اسناد یا اشیایی که منحصراً مورد استعمال رسمی دارند باشد.

۵- پیک کنسولی باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه کنسولی باشد. بدون کسب رضایت دولت پذیرنده پیک کنسولی نباید از اتباع دولت اخیر بوده یا به استثنای موردی که پیک مزبور از اتباع دولت فرستنده باشد - در قلمرو دولت پذیرنده اقامت دائمی داشته باشد. پیک کنسولی در انجام وظایف خود مورد حمایت دولت پذیرنده خواهد بود. شخص پیک مضمون از تعرض می‌باشد و به هیچ نحو نمی‌توان او را توقیف یا زندانی نمود.

۶- دولت فرستنده و مأموریت‌های دیپلماتیک و همچنین پست‌های کنسولی آن می‌توانند پیک‌های کنسولی مخصوص تعیین نمایند - در این مورد نیز مقررات بند ۵ ماده حاضر و مصونیت‌های مندرج در آن فقط تا زمانی که پیک مزبور کیسه کنسولی خود را به مقصد می‌رساند - جاری خواهد بود.

۷- کیسه کنسولی را می‌توان به فرمانده کشتی یا هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز توقف کند سپرد. فرمانده مزبور باید دارای مدارک رسمی حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه کنسولی باشد. لیکن وی پیک کنسولی تلقی نخواهد شد. پست کنسولی می‌تواند متعاقباً ترتیباتی که با مقامات ذیصلاحیت محلی می‌دهد یکی از اعضای خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه کنسولی از شخص فرمانده کشتی یا هواپیما اعزام دارد.

۱- ماده ۳۶ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین:

۱- کشور پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید ورود اشیاء زیر را با معافیت از حقوق گمرکی و عوارض و سایر هزینه‌های فرعی جز مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه اجازه خواهد داد.

الف - اشیاء مورد استفاده رسمی مأموریت.

ب - اشیاء مورد استفاده شخص مأمور سیاسی یا بستگان او که اهل خانه او هستند و از جمله اثاثیه‌ای که برای منزل خود لازم دارد.

۲- توشه شخصی مأمور سیاسی از تفتیش معاف است مگر این که دلایل جدی دال بر وجود اشیایی در آن که مشمول معافیت‌های مندرج در بند ۱ این ماده نیست در دست بوده و یا ورود و صدور آن اشیاء به موجب قوانین یا مقررات قرنطینه کشور پذیرنده ممنوع باشد. در چنین صورتی تفتیش جز در حضور مأمور سیاسی

که برای دولتی که آن را امضاء و تصویب کرده‌اند؛ یک تعهد قراردادی می‌باشد.

۳- تبیین جرایم ارتكابی مأموران سیاسی و کنسولی، بر اساس اصول حاکم بر حقوق کیفری و بین‌الملل

منافع مشترک تمامی کشورها در جهت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین و حفظ نظم بین‌المللی، حتی در قبال جرایم ارتكابی توسط مأموران سیاسی و کنسولی، که از مصونیت‌های خاصی بهره‌مند می‌باشند، آن کشورها را ناگزیر ساخت که برای اعمال درست تصمیمات و اقدامات قضایی خود، اصولی را تبیین نمایند؛ که در ذیل، به بحث و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳-۱- اصل صلاحیت شخصی

به موجب اینکه تمامی کشورها حق دارند دامنه اجرای قوانین خود را نسبت به جرایمی که خارج از محدوده قلمرو آن‌ها واقع می‌شود، گسترش و تسری دهند؛ بحث صلاحیت فرا سرزمینی که سه اصل مهم (اصل صلاحیت شخصی مثبت و منفی، اصل صلاحیت واقعی و اصل صلاحیت جهانی) را در بر می‌گیرد؛ مطرح می‌گردد.

اصل صلاحیت شخصی، نسبت به اصول ذکر شده فوق، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. به موجب این اصل، دولت‌ها به خود حق می‌دهند که هرگاه جرمی علیه اتباع یا توسط اتباع آن‌ها واقع شود، به طوری که دستگیری مرتکب امکان‌پذیر باشد؛ صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی را داشته باشند و بدین طریق از بی مجازات ماندن برخی از مجرمین که ممکن است به موجب اصل صلاحیت سرزمینی^۱، قابل مجازات نمی‌باشند؛ جلوگیری به عمل آورند (فرجیها و آقایی، ۱۳۹۱: ۸۵).

با توجه به مطالب عنوان شده متوجه شدیم که این اصل، صلاحیت محاکم یک کشور را، با توجه به تابعیت بزه‌کار یا بزه‌دیده تعیین می‌نماید. پس در اینجا، جا دارد که به جنبه‌های مثبت و منفی اصل صلاحیت شخصی بپردازیم:

یا نماینده مجاز او صورت نخواهد گرفت.

۱- یعنی: دولتی که جرم در سرزمین آن واقع شده است، برای تعقیب کیفری جرم ارتكابی و مرتکب آن، صالح می‌باشد.



- در تبیین جنبه مثبت اصل صلاحیت شخصی با استناد به ماده ۷^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این طور می توان عنوان کرد که شخص بزهکار، تبعه کشوری غیر از کشور محل وقوع جرم می باشد. در این صورت از آنجا که ممکن است مجرم پس از ارتکاب جرم در کشور بیگانه، به کشور متبوع خود فرار کند؛ چنانچه اصل صلاحیت شخصی در جنبه مثبت آن مورد پذیرش نباشد، این مجرم از مجازات فرار کرده و هدف اصلی حقوق جزای بین الملل که جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین است؛ حاصل نمی گردد. لذا دولت ها، ناچار به توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی خودشان، به خارج از قلمرو خود گردیده اند؛ تا اتباعشان را که در سرزمین سایر کشورها، مرتکب جرم شده اند را مجازات نمایند (پورباقرانی، ۱۳۸۰: ۸۳).

- از طرفی دیگر در بیان جنبه منفی اصل صلاحیت شخصی با استناد به ماده ۸^۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دولت متبوع شخص بزه دیده، خود را صالح به رسیدگی در قبال جرمی که در خارج از قلمرو کشور خود، اتفاق افتاده است؛ می داند. در این صورت نیز برخی از کشورها، اصل صلاحیت شخصی را به مواردی که اتباع آن ها، در خارج از کشور متبوع خود، بزه دیده واقع می گردند را نیز توسعه و تعمیم داده اند و خود را صالح برای رسیدگی به این جرایم می دانند. صلاحیت شخصی در این مفهوم این گونه توجیه می شود که یکی از وظایف هر کشوری حمایت از اتباع خود می باشد و از طرفی چون در چنین مواردی به

۱- ماده ۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (صلاحیت شخصی مثبت)

هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می شود مشروط بر اینکه:

الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

پ- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

۲- ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (صلاحیت شخصی منفی)

هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می شود، مشروط بر اینکه:

الف- متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

ب- رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.

حیثیت و اعتبار آن کشور نیز لطمه وارد شده است؛ پس اصل صلاحیت شخصی در جنبه منفی آن، مطرح شده است^۳ (علی آبادی، ۱۳۷۰: ۱۵۰).

با توجه به آنچه که تاکنون در باره اصل صلاحیت شخصی گفته شد، این طور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اعمال صلاحیت شخصی، به منزله نقض حاکمیت و استقلال دولت‌ها نمی‌باشد؛ بلکه گامی در جهت ایجاد نظم بین‌المللی و مجازات مجرمین است و این طور نیست که دولتی بتواند، قدرت خویش را، به‌طور خودسرانه، در قلمرو کشوری دیگر اعمال نماید. منظور از این نوع از صلاحیت این است که دولت‌ها، هنگامی می‌توانند اعمال صلاحیت نمایند که یا بزحکار شخصاً و با اراده خویش به سرزمین دولت متبوع خود برگردد و یا توسط دولت بیگانه، مسترد گردد^۴.

۳-۲- اصل صلاحیت واقعی

در تبیین اصل صلاحیت واقعی می‌توان با استناد به ماده ۵^۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این‌طور عنوان کرد که چنانچه اتباع بیگانه، در خارج از کشور، جرایمی را مرتکب شوند که منافع عالیه کشور و جوامع بشری را به خطر اندازد، مراجع قضایی کشور ایران، می‌تواند

۳- دکتر عبدالحسین علی آبادی، کتاب حقوق جنایی، جلد سوم، انتشارات فردوسی، سال ۱۳۷۰: ۱۵۰
۴- محمدرضا فرجیها و امین آقایی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، بهار ۱۳۹۱، شماره ۹۳-۶۶: ۹

۵- ماده ۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (صلاحیت واقعی یا عینی)
هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر یا جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران
ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن
پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور یا استفاده از آنها
ت- جعل آراء مراجع قضایی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها
ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل



آن‌ها را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند (گلدوزیان، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

پس محدوده صلاحیت واقعی قوانین جزایی ایران را، به ترتیب می‌توان در جرایم علیه نظام سیاسی، نظام اقتصادی، اعتبار کشور و آسایش عمومی عنوان کرد. بر این اساس، هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران، مرتکب یکی از جرایم مندرج در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شود و در ایران دستگیر یا به ایران مسترد گردد؛ برابر قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران، مجازات می‌شود.

۳-۳- اصل صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی، یعنی صلاحیت دادگاه‌های همه کشورها برای تعقیب و مجازات برخی از جرایم مانند دزدی دریایی^۱، جنایات جنگی^۲، تروریسم^۳ و گروگان‌گیری^۴ که فراسرزمینی و فراملی بوده و نسبت به آحاد جامعه بشری و در سطح بین‌المللی، خطرناک تلقی می‌شوند را گویند.

در قانون مجازات‌های اسلامی ایران و در ماده ۹^۵ آن، به بیان این اصل پرداخته و این‌طور می‌توان برداشت کرد که محاکم کیفری همه کشورها، صلاحیت رسیدگی به جرمی را که به موجب قوانین خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی، نسبت به فردی نامعین در کشوری نامعین را دارا می‌باشند (محسنی، ۱۳۷۵: ۳۹۰).

به‌عنوان مثال اگر هواپیما را، در کشور ایران دستگیر شود، دادستان ایرانی باید علیه وی طرح شکایت کرده و وی را تحت تعقیب قرار دهد. دادستان نباید منتظر اقدام و یا درخواست کشور دیگری باشد؛ بلکه به محض اطلاع از حضور متهم در ایران، باید وی را دستگیر و مورد

۱- دزدی دریایی (piracy)، براساس اصل ۱۹ کنوانسیون ۱۹۵۸ مربوط به دریای آزاد می‌باشد که بعداً در ماده ۱۰۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای گنجانده شد.

۲- براساس کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو

۳- کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه

۴- کنوانسیون ۱۹۷۹ نیویورک

۵- ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (صلاحیت جهانی)

مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی، در هر کشوری یافت شود؛ در همان کشور محاکمه می‌شود. اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.

محاكمه قرار دهد. البته همان طور كه می‌دانیم شرط تحقق و اجرای ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ منوط به دستگیری متهم، در ایران می‌باشد (داداش زاده و حبیبی، ۱۳۸۷: ۵۴).

۳-۴- اصل صلاحیت سرزمینی

اصل صلاحیت سرزمینی، مهم‌ترین و قدیمی‌ترین اصل در تعیین صلاحیت کیفری است که بر اصول دیگری^۱ که از آن‌ها یاد شد، مقدم می‌باشد و در واقع می‌توان آن‌ها را به نوعی مکمل و استثنایی بر این اصل می‌توان دانست.

از این اصل که به "اصل درون مرزی بودن قوانین کیفری"، نام برده‌اند و در ماده ۳۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به آن اشاره شده است؛ این طور می‌توان استنباط کرد که دولتی که جرم، در سرزمینش واقع شده، برای تعقیب کیفری جرم ارتكابی و مرتکب آن، صالح می‌باشد. با پذیرش این اصل و بررسی دلایل موجود در هر جرم، هدف عبرت‌انگیز بودن کیفر، بهتر تأمین می‌گردد و اقتدار و حاکمیت دولت نیز حفظ می‌شود (سلیمی، ۱۳۷۵: ۱۳).

لازم به ذکر است که اصل صلاحیت سرزمینی دارای ۲ جنبه می‌باشد:

الف) جنبه مثبت اصل صلاحیت سرزمینی: یعنی شمول قوانین کیفری داخلی بر

کلیه جرایم ارتكابی در داخل کشور

ب) جنبه منفی اصل صلاحیت سرزمینی: یعنی خروج جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو

کشور از شمول قوانین کیفری داخلی

استثنائات وارد بر جنبه‌های مثبت و منفی اصل صلاحیت سرزمینی

۳-۴-۱- استثنائات وارد بر جنبه مثبت اصل صلاحیت سرزمینی

استثنائات وارد بر جنبه مثبت اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری ممکن است ریشه داخلی یا بین‌المللی داشته باشد و شامل مصونیت‌ها (اعم از مصونیت باریشه داخلی و خارجی) و قراردادهای بین‌المللی است.

۱- اصل صلاحیت شخصی، اصل صلاحیت واقعی، اصل صلاحیت جهانی

۲- ماده ۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (صلاحیت سرزمینی)

قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال میشود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.



- مصونیت با ریشه داخلی: شامل مصونیت‌های شکلی و ماهوی است.

۳-۴-۱-۱- مصونیت ماهوی که شامل:

الف) مصونیت نمایندگان مجلس می‌گردد. طبق اصل ۸۶ قانون اساسی، به نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظیفه نمایندگی اعطاء شده و لذا نمایندگان در مقام انجام وظایف و تکالیف قانونی، دارای مصونیت ماهوی هستند و نمی‌توان آن‌ها را به استناد آراء و نظراتی که در راستای انجام وظایف و تکالیف نمایندگی، معمول داشته‌اند؛ تحت تعقیب قرار داد. در قوانین ایران برای نمایندگان مجلس مصونیت تعرض ناپذیر یا شکلی پیش‌بینی نشده است. ب) وکلای دادگستری نیز در حین دفاع از موکل خود، از مصونیت ماهوی برخوردار بوده و نمی‌توان آنان را به استناد اظهاراتی که در مقام دفاع از موکل خویش معمول داشته‌اند؛ تحت پیگرد و محاکمه قرار داد.

۳-۴-۱-۲- مصونیت شکلی که شامل:

قضات و نظامیان (از درجه سرهنگ به بالا) بوده و تعقیب آنان، منوط به لغو مصونیت و اجازه تعقیب آنان از طرف مراجع ذیصلاح می‌باشد.

- مصونیت با ریشه بین‌المللی:

الف) مصونیت مأمورین سیاسی و کنسولی، به موجب کنوانسیون‌های ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ و ۲۴ آوریل ۱۹۶۳، از طرف دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است.

به موجب مواد ۲۹ و ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، درباره روابط سیاسی، شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد تعقیب جزائی و یا بازداشت قرار داد و همچنین از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند می‌باشد.

در ضمن ماده ۴۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، درباره روابط کنسولی به مصونیت و عدم تعقیب جزائی شخص مأمور کنسولی و نیز چگونگی برخورد با او، پرداخته است.

ب- کاپیتولاسیون، به معنای اجازه خارج نمودن تبعه بیگانه، از شمول قوانین کیفری داخلی، در صورت ارتکاب جرم می‌باشد.

لازم به ذکر است که نمی‌توان مصونیت‌های نمایندگان سیاسی و کنسولی را کاپیتولاسیون تلقی کرد. چون:

اولاً) در گذشته کاپیتولاسیون شامل تمام اتباع یک کشور خارجی می‌شد؛ ولی در حال حاضر فقط برخی از مأموران سیاسی و کنسولی کشورها، از این نوع مصونیت بهره‌مند می‌باشند. ثانیاً) در گذشته کاپیتولاسیون امری یک طرف بود؛ در صورتی که در حال حاضر رعایت مقررات و اصول حاکم بر مصونیت‌ها مأموران سیاسی و کنسولی کشورها، امری متقابل می‌باشد (آزمایش، ۱۳۸۰: ۲۳).

۳-۴-۲- استثنائات وارد بر جنبه منفی اصل صلاحیت سرزمینی

با توجه به اصل سرزمینی بودن قوانین جزائی که ناشی از حق حاکمیت دولت‌ها است، متهم خارجی که در ایران مرتکب جرم شده است؛ به هر حال در ایران قابل تعقیب است. با وجود این، هرگاه شخص مزبور، به علت ارتکاب آن جرم، در کشور متبوع خود محکومیت یافته و متحمل مجازات شده باشد و آن مجازات، با مجازاتی که ممکن است از طرف محاکم ایرانی درباره او تعیین شود قابل احتساب باشد؛ مجازات اجرا شده، باید احتساب گردد. همچنین به لحاظ اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی و با توجه به مفاد ماده ۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲، چنانچه جرمی در خارج از ایران واقع شده باشد و از موارد ذکر شده در مواد ۵ الی ۸ ق.م.ا. جدید، که جزء استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی محسوب می‌شود، نباشد؛ مقامات ایرانی، صالح به رسیدگی نمی‌باشند، هر چند که مجنی علیه تبعه دولت ایران باشد (غلامی، ۱۳۹۱: ۲۴۳).

۴- صلاحیت محاکم در رسیدگی به جرایم ارتكابی مأموران سیاسی و کنسولی

با به واقعیت نزدیک شدن نظریه دهکده جهانی، مشکل اجرای عدالت در فراسوی مرزها با توجه به تفاوت در محتوا، ساختار و رویه دادرسی کشورها، بیشتر شده است. این امر، مشکل چگونگی تعیین صلاحیت کیفری محاکم دولت‌ها را برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی به وجود آورده است.

حال سؤال اینجاست که اگر جرمی توسط مأموران سیاسی و کنسولی ایران (با توجه به دارا بودن مصونیت سیاسی و کنسولی) در خارج از قلمرو سرزمینی کشورمان، به وقوع بپیوندد؛ آیا محاکم ایران، صلاحیت رسیدگی به جرم یا جرایم ارتكابی توسط آنان را خواهند داشت؟ یا خیر؟ برای تبیین هر چه بهتر این موضوع، جا دارد که به بحث و بررسی پیرامون موضوعات ذیل



بپردازیم:

- قلمرو قوانین جزایی در مکان و تعقیب و مجازات جنایتکاران

- اقسام صلاحیت محاکم، از جهت قلمرو قوانین جزایی

- صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرایم ارتكابی مأموران سیاسی و کنسولی

۴-۱- قلمرو قوانین جزایی در مکان و تعقیب و مجازات جنایتکاران

۴-۱-۱- قلمرو قوانین جزایی در مکان

هنگامی که یک امر جزایی، بین المللی یا فراملی می‌شود (یعنی: یک عامل خارجی، در ارتکاب جرم و آثار حاصل از آن، دخیل می‌شود) می‌بایست که از طریق قواعد حقوق جزای بین‌المللی^۱ به حل آن پرداخت.

این عامل خارجی می‌تواند تابعیت مرتکب، محل وقوع جرم یا منافع موضوع جرم باشد. - جرایمی که جنبه فراملی پیدا می‌کنند: یا اعمالی هستند که ماهیتاً یک جرم داخلی تلقی می‌گردند و وجود عامل خارجی به آن‌ها، بعد بین‌المللی می‌دهد؛ یا اینکه اعمالی هستند که منافع و نظم عمومی بین‌المللی را در معرض تهدید قرار می‌دهند. بدیهی است که ارتباط یک جرم به نظم عمومی یک جامعه و عدم دخالت عامل یا عوامل خارجی در آن، تعقیب و مجازات مرتکب به موجب قانون محل وقوع جرم خواهد بود و نیازی برای رجوع به قواعد دیگری نخواهد بود.

- جرایمی که جنبه بین‌المللی پیدا می‌کنند: آن دسته از هنجارهای اساسی جامعه است که نقض آن‌ها، وجدان بشریت را به لرزه درمی‌آورد. تأمین و تضمین نظم عمومی بین‌المللی، نیازمند همکاری دولت‌ها در تعقیب جنایات بین‌المللی است که در سایه اجرای عدالت حاصل خواهد شد. منظور از اجرای عدالت، رسیدن به ۲ مقصود است:

الف) بدون مجازات نماندن مجرمین

ب) بیش از یک‌بار مجازات نشدن شخص، برای ارتکاب جرم واحد (سلیمی، ۱۳۷۵: ۲۸۹).

۴-۱-۲- تعقیب و محاکمه جنایتکاران

اگر فرض را بر این قرار دهیم که دولت‌ها در تعقیب جنایات بین‌المللی با یکدیگر همکاری

۱- یعنی: حقوق بین‌المللی کیفری و حقوق کیفری بین‌المللی

کنند؛ در قدم بعدی باید مکانیسم‌های موجود در این خصوص را مورد بررسی قرار دهیم. به‌طور کلی در خصوص مرجع صالح تعقیب و محاکمه جنایتکاران، دو شیوه وجود دارد:

الف) تعقیب جنایات در یک محکمه بین‌المللی

ب) تعقیب جنایات در محاکم ملی

هدف اصلی ما، صلاحیت و نحوه رسیدگی به جرایم یا جنایات مأموران سیاسی و کنسولی در مراجع قضایی کیفری ملی می‌باشد. بی‌تردید اجرای قوانین کیفری، بارزترین جلوه حاکمیت یک کشور محسوب می‌گردد و همین حاکمیت است که سبب می‌گردد دادگاه‌های هر کشور، به اجرای قانون کیفری دولت متبوع خود پردازند. زمانی که محاکم کشوری را صالح به رسیدگی به پرونده‌ای بدانیم؛ در حقیقت حاکمیت قانون آن کشور را بر جرم ارتكابی پذیرفته‌ایم (دکتر صادق سلیمی، ۱۳۷۵: ۱۰۳).

۲-۴- اقسام صلاحیت محاکم، از جهت قلمرو قوانین جزایی

۴-۲-۱- صلاحیت درون مرزی قوانین جزایی

هر کشوری در مقام اعمال حاکمیت خود، تنها می‌تواند نسبت به جرایمی که در حوزه حاکمیتی آن کشور «اعم از درون مرزهای خاکی، آبی و هوایی» می‌باشد؛ اقدام به رسیدگی و مجازات متخلفین از قوانین جزایی کشور خود را به عمل آورد. این امر به «اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی» شهرت دارد که «صلاحیت درون مرزی» نیز نامیده می‌شود (صانعی، ۱۳۷۴: ۱۴۱).

۴-۲-۲- صلاحیت برون مرزی قوانین جزایی

از سوی دیگر به سبب مصالحی، استثنائاتی بر اصل سرزمینی به وجود آمده است؛ که «صلاحیت برون مرزی» را به وجود آورده است. لذا این قسم از صلاحیت، به صلاحیت شخصی و صلاحیت واقعی و صلاحیت جهانی قابل تقسیم می‌باشد که پیش‌تر، مورد بررسی قرار گرفتند (آشوری، ۱۳۸۰: ۴۲).

۴-۳- صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط مأموران سیاسی

و کنسولی

قبل از اینکه به بررسی صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرایم مأموران سیاسی



و کنسولی بیردازیم؛ جا دارد که در ابتدا، ما به دو مفهوم از صلاحیت در حقوق بین‌الملل خصوصی یعنی «صلاحیت قانون‌گذاری» و «صلاحیت قضایی» اشاره نماییم. «صلاحیت قانون‌گذاری»، تشخیص قانونی است که از بین قوانین متعارض، باید بر موضوع معینی، حکومت کند ولی «صلاحیت قضایی»، تشخیص دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به موضوع معینی را دارد. با توجه به دو مفهوم بالا از صلاحیت، مشخص می‌شود که اگر چه منظور ما از صلاحیت دادگاه‌ها، صلاحیت مراجع قضاوتی داخلی است ولی منظور اصلی ما، صلاحیت دادگاهی است که می‌تواند به موضوع معینی (مثل جرایم ارتكابی مأموران سیاسی یا کنسولی) رسیدگی کند. پس «صلاحیت دادگاه» را این طور می‌توان تعریف کرد که؛ توانایی یا حق و تکلیفی است که به موجب قانون و اسناد قانونی، به مراجع قضایی ذی صلاح داده شده است که به دعاوی و شکایات در موضوعات مشخص و غیرمشخص رسیدگی کرده و حکم مقتضی را صادر نمایند (رحمانی، ۱۳۸۱: ۱۱).

از دیدگاه حقوقی، صلاحیت سرزمینی محاکم ایران، با استناد به ماده ۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

به مرزهای زمینی، دریایی و هوایی آن، محدود می‌شود. در نتیجه اعمال صلاحیت محاکم کیفری ایران^۲ را نباید نسبت به جرایم ارتكابی خارج از محدوده مرزهای کشورمان تسری داد. از طرفی با توجه به اصل ۳۶^۳ و ۳۷^۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به‌عنوان منشور ملی ما، پذیرفته شده است؛ مجازات افراد از طریق «دادگاه صالح» جایز می‌باشد (حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مصدق، مقاله) و همچنین با استناد به ماده ۹۷۱ قانون مدنی

۱- ماده ۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (صلاحیت سرزمینی)

قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال میشود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

۲- «مثلاً تعقیب و به کیفر رسانیدن جرایم ارتكابی توسط مأموران سیاسی و کنسولی ایران»

۳- اصل ۳۶ قانون اساسی ایران: «حکم به مجازات و اجرای آن، باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

۴- اصل ۳۷ قانون اساسی ایران: «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود؛ مگر این که جرم او، در دادگاه صالح ثابت گردد.»

۱ می‌توان متوجه شد که محکمه ایران می‌تواند به دعوایی که در محکمه یک کشور خارجی مطرح است نیز رسیدگی نماید و در صورتی که چنانچه قسمتی از جرم، در ایران واقع شود و قسمتی از آن، در کشوری دیگر و دعوا هم، در محکمه خارج مطرح باشد؛ با استناد به ماده ۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ محکمه ایران می‌تواند به دعوای مربوطه رسیدگی کرده و حکم خود را اجرا نماید ولی از نظر حقوق کیفری بین‌المللی، قاعده منع محاکمه مجدد برای این جرم، باید رعایت شود (حسینی نژاد، ۱۳۹۱: ۴۳۶). این سخنان، تماماً ترجمان اصل صلاحیت سرزمینی یا درون مرزی بودن قوانین کیفری می‌باشند.

در خصوص صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی اتباع ایرانی و اتباع بیگانه که در خارج از کشور مرتکب جرمی شده‌اند؛ ماده ۳۱۶^۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ اذعان داشته است که به جرایم ارتكابی اتباع ایرانی در دادگاه محل دستگیری و اتباع بیگانه در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود. از طرفی هم ماده ۵^۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شایستگی

۱- ماده ۹۷۱ قانون مدنی: دعوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات، تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود. مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی، رافع صلاحیت محکمه ایران نیست.

۲- ماده ۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (صلاحیت سرزمینی تکمیلی)
هر گاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود؛ در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.

۳ ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴ (صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در خارج از کشور) به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود.

۴- ماده ۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (صلاحیت واقعی یا عینی)
هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر یا جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران

ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای



صلاحیت واقعی محاکم ایران در رسیدگی به جرایم ارتكابی اتباع ایرانی و غیر ایرانی، در خارج مرزهای ایران را بیان داشته است.

همچنین در خصوص دلایل اولویت دادگاهها ایران و قانون محل ارتكاب جرم، می توان به چند مورد اشاره کرد:

الف) مهم ترین دلیل این است که جرم در هر سرزمینی که واقع می شود، در حقیقت نظم عمومی همان جامعه را مختل می کند و همان جامعه حق دارد برای برقراری و تأمین نظم عمومی، به تعقیب جرم ارتكابی بپردازد ولی این موضوع زمانی صادق است که اتباع داخلی آن کشور، از مصونیت های سیاسی بهره مند نباشند که در این صورت تابع قانون دولت متبوع خود، با آن ها برخورد خواهد شد.

ب) در ضمن، هدف عبرت انگیز بودن کیفر بهتر تأمین می گردد و اقتدار و حاکمیت دولت نیز حفظ می شود.

نتیجه گیری:

مسئله محاکمه مقامات سیاسی و کنسولی یک کشور، در پیشگاه دستگاه قضایی یک کشور دیگر، از جمله مباحث غامض و پیچیده حقوق بین الملل است و همچنین با توجه به ماده ۷ اساسنامه دادگاه نورنبرگ، ماده ۷ از منشور دیوان یوگسلاوی سابق و ماده ۶ از اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، همگی به اتفاق مقرر می دارند که:

مقامات سیاسی و کنسولی کشورها، که از مصونیت های مقرر در کنوانسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین بهره مند می باشند؛ نمی تواند خود عاملی برای تبرئه و تخفیف مجازات اتهامات وارده به آنان تلقی شود. لذا در عمل می بینیم که اگر دادگاه ملی، خود را، واجد صلاحیت به رسیدگی به جرمی بداند؛ دیگر از جنبه صلاحیت جهانی به مسئله توجه نخواهد کرد بلکه تنها مقوله داشتن یا فقدان مصونیت متهم را قبل از آغاز دادرسی، مطالعه خواهد کرد.

نگهبان، رئیس اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس جمهور یا استفاده از آنها
ت- جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها
ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهد آور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل

در نتیجه می‌توان متذکر شد که در صورت ارتکاب جرایمی، توسط مأموران سیاسی یا کنسولی ایران، که از مصونیت‌هایی هم برخوردار می‌باشند، رخ دهد؛ دادگاه ایران با توجه به اصل صلاحیت سرزمینی خود و با استناد به ماده ۱۶ قانون مجازات‌های اسلامی ۱۳۹۲، خود را صالح به رسیدگی به جرایم ارتكابی آن‌ها خواهد دانست.

۱- ماده ۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (جرایم ارتكابی از سوی مأموران دولت ایران در خارج از کشور) به جرایم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و به جرایم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی میشود.



فهرست منابع

- آزمایش، سید علی، (۱۳۸۰) «تقریرات حقوق جزای عمومی»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- آشوری، محمد (۱۳۸۰) «آیین دادرسی کیفری»، تهران، انتشارات سمت، جلد دوم، چاپ دوم
- آقایی، سید داوود (۱۳۸۷) «آداب دیپلماسی و فنون مذاکره»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- پورباقرانی، حسن (۱۳۸۰) «اصل صلاحیت شخصی در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، مجله مجتبع آموزشی عالی قم، سال سوم، شماره نهم
- توسلی نایینی، منوچهر (۱۳۸۵) «مصونیت‌های شغلی در حقوق ایران»، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره شش و هفت
- حبیبی، جواد (۱۳۸۷) «مبانی حقوق»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، سال چهارم، شماره دوازده
- داداش زاده، محمود (۱۳۸۷) «مبانی حقوق»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، سال چهارم، شماره دوازده
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵) «لغت نامه دهخدا»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد چهارده
- رحمانی‌منشادی، مهدی (۱۳۸۱) «صلاحیت دادگاهها»، نشر مقالات حقوقی حق گستر، سال اول، شماره سوم
- سلیمی، صادق (۱۳۷۵) «چکیده حقوق جزای عمومی»، تهران، انتشارات جنگل
- صانعی، پرویز (۱۳۷۴) «حقوق جزای عمومی»، تهران، نشر گنج دانش، جلد اول، چاپ ششم
- صدر، جواد (۱۳۹۲) «حقوق دیپلماتیک و کنسولی»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۰)، «حقوق جنایی»، انتشارات فردوسی

- غلامی، حمید(۱۳۹۱) «اصل صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری»، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی
- فرجیها، محمدرضا؛ آقایی، امین (۱۳۹۱) «جنبه‌های منفی و مثبت اصل صلاحیت شخصی در حقوق جزای بین‌الملل»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره نهم
- گلدوزیان، ایرج(۱۳۷۸) «بایسته‌های حقوق جزای عمومی»، تهران، نشر میزان، چاپ سوم
- لنگرودی، محمدجعفر(۱۳۹۲) «ترمینولوژی حقوق»، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و پنجم
- محسنی، مرتضی(۱۳۷۵) «دوره حقوق جزای عمومی»، تهران، نشر گنج دانش، جلد اول، چاپ دوم
- مصدق، محمد(۱۳۸۵) «حقوق بین‌الملل، مقاله ساختار و صلاحیت دادگاه‌های کیفری در لایحه قانون آیین دادرسی کیفری»، انتشارات آیین دادرسی، چاپ اول
- مصلائی، علیرضا(۱۳۸۰) «قانون مجازات اسلامی در نظام جزایی کنونی»، تهران، انتشارات اتحاد
- نایینی، منوچهر(۱۳۷۰) «بررسی تطبیقی مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک و کنسولی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
- «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری» مصوب ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴
- «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲